

تبیین بی‌ثباتی سیاسی در جامعه ناهمگون عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲

* حسین کریمی فرد

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۱۶ اسفند ۱۴۰۱

چکیده

بررسی تحولات سیاسی در عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که دموکراسی در این کشور از چندین جنگ داخلی گذر کرده است. هنوز انتخابات مورد تأکید همه گروه‌های مذهبی، قومی و سیاسی است، اما رقابت بین فرقه‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی سبب بی‌ثباتی و گاه آشوب در این کشور شده است. این پرسش مطرح است که در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ چه عواملی سبب تنش و بی‌ثباتی در عراق شده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که دموکراسی انجمنی، دولت ضعیف، ناهمگونی جامعه سیاسی و نبود تفکر ملی نزد نخبگان از عوامل مهم بی‌ثباتی و تنش در عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فروماندگی دولت مرکزی عراق به چرخه خشونت و فرقه‌گرایی در این کشور دامن زده است. ضعیف‌بودن دولت مرکزی سبب افزایش خواسته‌های گروه‌های قومی و مذهبی و شخصیت‌ها و کسب سهمیه بیشتری از قدرت شده است. فرقه‌گرایی سبب بی‌ثبات‌کردن دولت‌ها، مداخله بیشتر و تشدید جنگ قدرت شده است. هویت‌های فرقه‌ای امنیتی شده، به منبع بی‌ثباتی، درگیری و پراکندگی بیشتر در داخل تبدیل شده است. هرچند در قانون اساسی جدید عراق بر نظم جدید حقوقی و سیاسی دموکراتیک و کثرت‌گرایانه تأکید شده است، تا نهادینه‌شدن و استقرار کامل آن، زمان زیادی لازم است.

کلیدواژه‌ها:

بی‌ثباتی سیاسی،
دموکراسی، دموکراسی
انجمنی، دولت ضعیف،
عراق، فرقه‌گرایی.

* نویسنده مسئول:

دکتر حسین کریمی فرد
نشانی:

دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، اهواز، ایران
پست الکترونیک:

hkarimifard@hau.com

استناد به این مقاله:

کریمی فرد حسین. (۱۴۰۱). تبیین بی‌ثباتی سیاسی در جامعه ناهمگون عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام ۴(۴)، ۱۰۴-۸۱.

۱. مقدمه

یکی از موضوعاتی که پژوهشگران علوم اجتماعی علاقه‌مند به مطالعه و بررسی آن هستند، ثبات یا تنش در جوامع ناهمگون و چندپارچه، متشکل از عناصر نژادی، زبانی، مذهبی و قومی متفاوت و متعدد است. اینکه چگونه گروه‌های اجتماعی رقیب می‌توانند بدون درگیری، هرج و مرج و فروپاشی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و با بیزاری از خشونت و ستم، توجه زیادی را به «چانه‌زنی و سازش» به‌عنوان روش‌هایی برای دستیابی به ثبات در جوامع عمیقاً تقسیم‌شده اختصاص دهند، در غیر این صورت ممکن است نهادینه‌شدن هویت‌های فرقه‌ای منجر به درگیری بر سر جایگاه و میزان سهم گروه‌های مختلف از قدرت شود. عراق مانند دیگر کشورهای خاورمیانه ساخت اجتماعی موزاییکی و جمعیتی ناهمگون و متکثر قومی و مذهبی دارد؛ بر همین اساس، شکاف‌های ساختاری قومی و مذهبی دارد. علاوه بر سه گروه کردها، سنی‌ها و شیعیان، صابی‌ها، یهودی‌ها، مسیحی‌ها و ایزدی‌ها به‌عنوان اقلیت در عراق زندگی می‌کنند. آشوری‌ها، کلدانی‌ها و ترکمن‌ها نیز به‌عنوان گروه قومی در عراق حضور دارند (Nakash, 2003: 18). این کشور از هجده استان تشکیل شده است. سه استان شمالی آن سکونتگاه کردهای سنی، سه استان شمال غربی و غربی آن سکونتگاه اعراب سنی و نه استان شرقی و جنوبی آن سکونتگاه اعراب شیعه است. هیچ‌یک از گروه‌های قومی و مذهبی به‌لحاظ جمعیتی در اکثریت مطلق قرار ندارند. استان‌های کردنشین عراق با کردهای کشورهای ایران، ترکیه و سوریه، اعراب سنی عراق با کشورهای سنی مانند عربستان، سوریه و عربستان و شیعیان عراق با ایران همسایه هستند. این موضوع سبب ارتباط متقابل این گروه‌های اجتماعی با کشورهای همسایه می‌شود (Maqсуди, 2003: 87).

عراق از سه استان موصل، بغداد و بصره با ناهمگونی قومی و مذهبی و زبانی ایجاد شد. این دولت در سال ۱۹۲۰ پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی تحت سرپرستی انگلستان قرار گرفت و تا سال ۱۹۳۲ تحت قیمومت این کشور قرار داشت. در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۳ اقلیت ۱۷ تا ۲۰ درصدی سنی‌ها بر عراق سیطره داشتند. بنابراین دولت‌های حاکم به‌دلیل نبود فراگیری و چندپاره‌بودن جامعه عراق به شیوه اقتدارگرایانه و سرکوبگری بر این کشور حاکم بودند. هرچند این دولت‌ها در پی همگون‌سازی، یکسان‌سازی و ادغام اجباری، تحمیلی و با استفاده از زور بودند، به‌دلیل مقاومت دیگر فرقه‌ها، انواع بحران‌ها مانند هویت، مشروعیت و یکپارچگی در این کشور ایجاد شد. پیشینه دولت - ملت سازی در عراق را می‌توان به دهه ۱۹۲۰ ارجاع داد.

زمانی که دولت عراق توسط قدرت‌های استعماری شکل گرفت و جامعه عراق متکثر و متشکل از سنی‌ها، شیعیان، کردها و سایر اقلیت‌ها شد. به بیانی، دولت و جامعه عراق مصنوعی و ساختگی هستند. در عراق دوره صدام بین جامعه، حاکمیت و هویت دولت تناسب وجود نداشت، مردم احساس تعلقی به عراق به‌عنوان یک ملت واحد (به‌عنوان عراقی) نداشتند و دستگاه حاکمیت نماینده همه اقدار جامعه نبود. فروپاشی نظام سیاسی دیکتاتوری صدام و نبود عناصری مانند فرهنگ مدنی و دموکراتیک، قانون‌گرایی، تمکین به قواعد بازی مردم‌سالارانه و بی‌توجهی به مصالح جامعه سبب شد در عراق بین گروه‌های مختلف، تنش و نزاع ایجاد و ناامنی و بی‌ثباتی حاکم شود.

بعد از فروپاشی نظام دیکتاتوری صدام حسین در سال ۲۰۰۳، از طرف پل برمر، به‌عنوان رئیس دولت موقت دو دستور مهم صادر شد: در دستور نخست، حزب حاکم بعث منحل شد. این مسئله منجر به اخراج هزاران کارمند و مدیر دولتی شد. دستور دوم، انحلال ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی عراق بود. این دو تصمیم دولت را بی‌ثبات کرد و تغییر رژیم به تغییر دولت نیز انجامید. از ژوئن ۲۰۰۴ نخبگان جدیدی از رهبران عراقی دولت را به‌دست گرفتند. در طول این فرایند، فرقه‌گرایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی سیاست عراق ظاهر شد. دولت جدید در امتداد خطوط اجتماعی تعریف شد؛ به این معنی که حوزه‌های سیاسی اکنون براساس فرقه‌ها یا قومیت تعریف می‌شد (Mansour, 2017: 16). در این مقاله می‌خواهیم به تبیین بی‌ثباتی در عراق با تأکید بر دموکراسی انجمنی، سیستم سهمیه‌بندی قدرت سیاسی و فرقه‌گرایی پردازیم. ارکان این مقاله شامل مقدمه، چارچوب نظری بافتار جامعه عراق، دلایل بی‌ثباتی و آشوب در عراق و سرانجام نتیجه‌گیری است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد عراق پس‌اصدام پژوهش‌های متعددی به زبان‌های مختلف نوشته شده است؛ بیشترشان به مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با عراق پرداخته‌اند و به مسائل و مشکلات داخلی عراق کمتر توجه شده است. در این مقاله می‌خواهیم بیشتر از زاویه جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی به منازعات و تنش‌های درونی عراق پردازیم. اردشیر پشنگ (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تحولات عراق در پرتو سیاست خارجی ایران، ترکیه و عربستان» معتقد به درپیش‌گرفتن بازی با حاصل جمع صفر توسط این بازیگران در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ است، به‌شکلی که

توافقی که بتواند بیانگر نوعی توازن میان قدرت‌های منطقه‌ای در عراق باشد، هیچ‌گاه در بین این بازیگران شکل نگرفت. همین مسئله از عوامل زمینه‌ساز افزایش بی‌ثباتی در عراق به‌شمار می‌آید. او به عوامل بیرونی با تأکید بر کشورهای همسایه عراق توجه کرده و به ساختار جامعه عراق توجهی نکرده است. قدرت احمدیان (۱۳۹۸) در مقاله «تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک عراق بر امنیت ملی ایران» به نقش دو بازیگر آمریکا و اسرائیل پرداخته است. از دیدگاه او جایگاه راهبردی و موقعیت راهبردی کردستان عراق در منطقه و نفوذ دو کشور آمریکا و اسرائیل در آن، می‌تواند برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پیامدهای منفی و تهدیدات جدی داشته باشد. در این مقاله نیز به مسائل داخلی عراق توجه نشده است. سعید شمس‌الدینی (۱۴۰۰) در مقاله «پیوند پلورالیسم و فدرالیسم با تأکید بر دموکراسی انجمنی مطالعه مورد عراق» به گذار سیستم سیاسی عراق از نظام تک‌حزبی به نظام چند حزبی پرداخته است. او معتقد است این روند ممکن است برگشت‌پذیر باشد.

نیال عزالدین جمیل عطیه در مقاله «عوامل داخلی و خارجی شکل‌نگرفتن و ساخت دولت»، منازعات فرقه‌ای و مذهبی موجود در عراق را نتیجه یک دلیل عمده نمی‌داند، بلکه نتیجه تعامل بین عوامل مختلف خارجی و داخلی می‌داند که سبب ایجاد سیاست‌ها و اقدامات مخرب شده‌اند. عوامل خارجی در این مطالعه شامل حمله آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ که آن را ویران کرد، لابی اسرائیل که منجر به درگیری‌های قومی و مذهبی کنونی و ناامنی سیاسی این کشور شده است و گروه‌های القاعده مانند داعش و دولت اسلامی عراق که راه را برای درگیری مسلحانه کنونی هموار کرده است. او عوامل داخلی را نیز حاکمان فاسد و اقتصاد سیاسی عراق دانسته است. سلیم راندا نیز در مقاله «نزاع بر سر هویت و مالکیت دولت در عراق» معتقد است منبع تنش بعد از سال ۲۰۰۳ بین گروه‌های مختلف قومی و مذهبی بر سر دستیابی به قدرت بوده است. دیدیم مطالب زیادی در مورد عراق به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی نوشته شده است و هرکدام از نویسندگان از زاویه خاصی موضوع خود را بررسی کرده‌اند. تفاوت این مقاله با آن‌ها، نگاهی جامعه‌شناسانه به ساخت قدرت و بافتار اجتماعی در عراق است که این موضوع زمینه را برای نفوذ قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در عراق فراهم کرده است.

۳. چارچوب نظری

به‌طور کلی نظام‌های سیاسی دموکراسی براساس بافتار جمعیت به دموکراسی اکثریتی و

دموکراسی مبتنی بر اجماع^۱ تقسیم می‌شوند. در جوامع همگون و یکدست سیستم سیاسی دموکراسی مبتنی بر رأی اکثریت و در جوامع ناهمگون و چندپاره دموکراسی انجمنی مدنظر قرار می‌گیرد. در این جوامع ثبات سیاسی به وسیله توافق همه فرقه‌های سیاسی و سهیم بودن تمام فرقه‌ها در قدرت امکان‌پذیر است. از دیدگاه آرند لیپهارت^۲ از اندیشمندان علوم سیاسی، دموکراسی انجمنی مبتنی بر این اصول است: ۱. دولت ائتلافی فراگیر؛ ۲. حق وتوی فرقه‌ها؛ ۳. سهمیه‌بندی به‌عنوان اصل اساسی نمایندگی سیاسی؛ ۴. خودمختاری فرقه‌ها برای اداره امور داخلی (Lijphart, 1977: 25). برای اینکه این مدل دموکراسی سبب ایجاد ثبات شود یک سری پیش شرط باید در جامعه وجود داشته باشد مانند: ۱. موازنه قوای چندجانبه؛ ۲. وجود تهدید خارجی؛ ۳. ملی‌گرایی نرمال؛ ۳. رسیدن به سازش و عبور از شکاف میان فرقه‌های مختلف (Lijphart, 1968: 28) بعد از سقوط صدام با توجه به وجود فرقه‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی در عراق، مدل دموکراسی انجمنی مبتنی بر رهیافت تقسیم قدرت^۳ مورد اجماع نخبگان سیاسی قرار گرفت. انجمن‌گرایی و تقسیم قدرت دوروی یک سکه هستند. انجمن‌گرایی نظریه‌ای است که ترتیبات توزیع قدرت را در جوامع به شدت تقسیم‌شده توضیح می‌دهد. توزیع قدرت مستلزم آن است که احزاب مختلف به موقعیت‌های مهم تصمیم‌گیری دسترسی داشته باشند (O'Leary, 2013: 1). بنابر نظریه اجتماعی، ثبات سیاسی، در جوامعی که از نظر قومی، مذهبی یا زبانی ناهمگون هستند با در نظر گرفتن سهم قدرت در سطح رهبری ایجاد می‌شود.

۴. بافتار جمعیتی عراق

جمعیت را عراق که با تنوع و تکثر قومی و مذهبی شناخته می‌شود، براساس برآوردهای غیررسمی، ۶۰ درصد اعراب شیعه، ۱۵ تا ۲۰ درصد کرد، ۱۷ تا ۲۰ درصد سنی و ۳ درصد مسیحیان تشکیل می‌دهند (Katzman, 2007: 2). بر اساس نتایج سرشماری رسمی که بانک جهانی منتشر کرد جمعیت عراق تا ژانویه ۲۰۲۱، ۴۰،۲ میلیون نفر است. (World Bank, 2022) جامعه عراق نمونه‌ای از جامعه‌ای ناهمگن و چندپارچه است. فرقه‌ها و قومیت کنشگران اصلی سیاست در عراق تلقی شوند و چیدمان و آرایش سیاسی و اجتماعی این فرقه‌ها بر ساختار سیاسی این کشور تأثیرگذار است. وفاداری و تعلق خاطر قومی و فرقه‌ای در نگرش‌های

-
1. Consociational Democracy
 2. Arend Lijphart
 3. Power-sharing Approach

اجتماعی شدت بیشتری نسبت به نگرش ملی داشته است. این فرقه‌ها یکپارچه و یک‌دست نیستند و درون این فرقه‌ها انشعابات مختلف پیرامون شخصیت‌های مختلف وجود دارد. هرچند عراق از سه گروه اصلی شیعیان، سنی‌ها و کردها تشکیل شده است، در درون هرکدام از گروه‌ها، جریان‌ها و دسته‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد. می‌توان در عراق این هویت‌های متفاوت را نام برد:

- هویت فرقه‌ای به مفهوم خاص آن، مانند هویت و وفاداری جوامع شیعی، سنی و هویت مسیحیان ایزدی؛

- هویت قومی: کردها و ترکمن‌ها؛

- هویت و تعلق خاطر عام‌تر که فرقه‌های گوناگون مسلمان به‌عنوان مسلمان بودن و فرقه‌های مختلف مسیحی به‌عنوان مسیحی بودن در خود دارند؛

- هویت ملی و وفاداری نسبت به دولت ملی.

گفتنی است از نظر درجه‌بندی و اولویت، هویت نخست از همه قوی‌تر و هویت ملی و وفاداری نسبت به دولت به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر ضعیف‌تر است. فرقه‌ها و هویت‌های اصلی در عراق عبارت‌اند از:

الف) شیعیان: قبل از سقوط رژیم بعث، بیشتر احزاب سیاسی شیعه عراق در مخالفت با صدام حسین متحد بودند، اما پس از پایان رژیم صدام انسجام خود را از دست دادند. بعد از سقوط صدام، شیعیان عراق با وجود اعتقاد مشترکشان، اتحاد سیاسی ندارند. احزاب شیعی به‌شدت با یکدیگر رقابت می‌کنند و از میراث تاریخی، تفاوت‌های مذهبی، کاریزمای رهبری و دیگر ابزارهای موجود برای افزایش سهم خود در آرا و قدرت استفاده می‌کنند. به غیر از آیت‌الله العظمی سیستانی، هیچ رهبر سیاسی یا مذهبی شیعه نمی‌تواند ادعای نفوذ در کل جمعیت شیعه عراق را داشته باشد. با وجود چنین رقابتی، شیعیان عراق زیر سلطه تعداد محدودی از افراد و خانواده‌ها هستند که همواره از نفوذ خود بر سیاست عراق حمایت کرده‌اند (این شرایط با وضعیت کردستان عراق، با بارزانی‌ها و طالبانی‌ها قابل مقایسه است) (Al-Shadeedi, 2020: 40). شیعیان اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. این رقم به‌طور رسمی ناشناخته است، زیرا سرشماری ملی برنامه‌ریزی شده برای سال ۲۰۰۷ به دلیل ترس از دامن‌زدن به تنش‌های

قومیتی به‌طور نامحدود به تعویق افتاده است (ChathamHouse, 2012: 10). ائتلاف بین احزاب شیعه در زمان انتخابات در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ شکننده بوده و بیشتر با هدف به‌دست آوردن آراء، تقسیم اختیارات و منابع عمومی یا پاسخ به تهدیدی زود هنگام بود. به بیانی، این ائتلاف‌ها بیشتر فرصت طلبانه بودند و هدفشان کسب قدرت بود. روابط درون‌نخبگانی به‌شدت بر شکل‌گیری اتحاد و دوام در طول این دوره تأثیر گذاشت. از آنجایی که ائتلاف‌ها بر اساس ایدئولوژی و برنامه‌های سیاسی مشترک یا توافق‌نامه‌های سیاسی مورد مذاکره قرار نگرفتند و روابط رهبری اغلب متناقض است، این ائتلاف‌ها به‌سرعت پس از موفقیت‌های انتخاباتی، از بین رفتند و کیفیت حکمرانی را تضعیف کردند.

ب) سنی‌ها: سنی‌ها در عراق از موقعیت هنجار بودن و معیار بودن در این کشور برخوردار بوده‌اند، اگرچه آن‌ها یک اقلیت عددی در این کشور را تشکیل می‌دهند. بین ۱۷ تا ۲۰ درصد از جمعیت عراق را مسلمانان سنی‌ها تشکیل می‌دهند. در سیستم سیاسی جدید عراق سنی‌ها در بسیج خود برای دفاع از حقوق خود با مشکل مواجه شدند، زیرا تا آن زمان هرگز تحت یک هویت فرقه‌ای متحد نشده بودند. از آنجایی که سنی‌های عراق آزار و اذیت مستمری را بر اساس هویت مذهبی خود تجربه نکردند، حس قربانی بودن را نداشتند که عمیقاً در هویت شیعیان و کردها ریشه دوانده بود. سنی‌ها خود را «هنجار و معیار» جامعه می‌دانستند؛ بنابراین نمی‌دانستند هویت فرقه‌ای خود را چگونه با نمادها، آیین‌ها و شخصیت‌های مهم وفق دهند، به همان شیوه‌ای که مسلمانان شیعه برای دهه‌ها داشتند. طولی نکشید که آن‌ها حکومت جدیدی را که در آن مناصب حکومتی به شیعیان داده شد شناختند و از آن ناراضی شدند. در نتیجه، با تاکتیک‌های شورشی و تروریستی به مقابله با سیستم سیاسی جدید پرداختند. ملی‌گرایی عراقی که حاکمان سنی، بسیار بر آن تأکید کرده بودند، به سرعت از هم پاشید، زیرا عراق به‌شدت در امتداد خطوط فرقه‌ای درگیر شد. تعادل‌ناداشتن قدرت به سال‌ها بی‌ثباتی و درگیری‌های فرقه‌ای بین سنی‌ها، شیعه‌ها و کردها منجر شد. پس از تهاجم ایالات متحده، سنی‌ها بر اساس نابرابری‌هایی که در اطراف خود احساس می‌کردند، ناراضی‌های متعددی را مطرح کردند. زمانی که ایالات متحده روند بعث‌زدایی از دولت عراق را آغاز کرد، سنی‌ها احساس کردند که به‌دلیل هویت مذهبی یا قومی خود به‌طور ناعادلانه‌ای مورد تبعیض قرار گرفته‌اند (Antosh, 2016: 74). سه روایت در جامعه سنی در مورد ماهیت هویتشان وجود دارد: هویت عمدتاً سنی که در ائتلاف با کردها در مقابل یک حکومت شیعه ایستاده است، هویتی

عمدتاً عربی که با بخش‌هایی از اعراب شیعه متحد شده است و یک هویت متمایز سنی عرب که از هر دو جمعیت کرد و شیعه عرب جدا است. از دیدگاه سنی‌ها و حامیانشان سیستم سیاسی تقسیم قدرت در عراق، سیستم عادلانه‌ای ایجاد نکرد، زیرا به شیعیان قدرت زیادی در دولت فدرال داده شد.

پ) کردها: در حالی که هر دو فرقه سنی و شیعه در طول دوره‌های مختلف تاریخ خود به حاشیه رانده شده و خشونت را تجربه کرده‌اند، هیچ‌یک از این دو گروه مشابه فرقه کرد عراق سرکوب نشده‌اند. کردها به یک زبان مشترک صحبت نمی‌کنند، بلکه به گویش‌های مختلف صحبت می‌کنند. بیشتر کردها در واقع مسلمان سنی هستند، اما هویت قومی آن‌ها بر وابستگی‌های مذهبی‌شان ارجحیت دارد. کردها در حال حاضر حدود ۲۵ درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها تقریباً ۴ میلیون نفر است. موضوع تاریخ کردها پیرامون مبارزه‌ای بی‌پایان برای خودمختاری می‌چرخد.

اقلیت قومی و مذهبی	استان‌های عراق
شیعه	نجف، کربلا، کاظمین، سامرا، شمال بغداد، بصره، قادسیه، میسان، بابل، ذی قار، واسط
سنی	الانبار، دیالی، صلاح‌الدین، شمال نینوا
کرد	اربیل، سلیمانیه، دهوک

Source: Author

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 دانشگاه جامع علوم انسانی

۵. تبیین عوامل بی‌ثباتی در عراق

پژوهشگران مسائل عراق عوامل مختلفی برای بی‌ثباتی در عراق بیان کرده‌اند: ۱. عراق را تعدادی از شبکه‌های نخبگان اداره می‌کنند که بر گروه‌ها و افرادی متمرکز هستند. چنین شبکه‌هایی می‌خواهند پاسخگو نباشند، کالاهای عمومی را خصوصی کنند و سیستم بسته نمایندگی سیاسی را حفظ کنند؛ ۲. بسیاری از احزاب سیاسی عراق، به‌ویژه رهبران‌شان پیوندهای خارجی قوی دارند. گاهی اولویت‌های داخلی را با توجه اولویت‌های خارجی نادیده می‌گیرند؛ ۳. عامل دیگر در رویه غیررسمی المحاصصه نهفته است، سیستمی که از تخصیص سهمیه‌های فرقه‌ای مشاغل و منابع دولتی حمایت می‌کند، این سیستم نیز پاسخ‌گویی را کاهش می‌دهد و یک

سیستم بسته حکومت نخبگان ایجاد می‌کند؛ ۴. دموکراسی انجمنی به‌عنوان مدل حاکم بر سیستم سیاسی عراق به‌دلیل نبود پیش‌شرط‌های لازم در این کشور سبب تشدید شکاف‌های فرقه‌ای و سیاسی، فروماندگی دولت مرکزی و ایجاد نزاع و خشونت شده است. در ادامه عوامل مهمی که سبب تنش و بی‌ثباتی در عراق شده است برمی‌شماریم:

الف) قانون اساسی عراق؛ زمینه‌ساز ایجاد دولت ضعیف

در قانون اساسی عراق، حکومت این کشور، پارلمانی، فدرال، دموکراتیک، کثرت‌گرا، چند ملیتی، چندمذهبی و چندفرهنگی معرفی شده است. همه کنشگران سیاسی، قومی و مذهبی این اصول را پذیرفته‌اند. قانون اساسی حفظ هویت اسلامی اکثریت ملت عراق و همچنین آزادی عقیده و اجرای شعائر دینی برای همه افراد مانند مسیحیان، یزیدیان، صابئی‌های مندائی را تضمین کرده است. از سال ۲۰۰۳، نظام سیاسی عراق در امتداد خطوطی فرقه‌ها تکامل یافت. قانون اساسی جدید که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، تأکید می‌کند عراق کشوری با ملیت‌ها، مذاهب و فرقه‌های متعدد است که گروه‌ها را بر اساس معیارهای قومی یا فرقه‌ای از پیش تعیین‌شده در خود جای می‌دهد. اصل ۴۹ قانون اساسی می‌گوید: «نمایندگی همه ارکان مردم در مجلس برقرار است». مناصب دولتی به فرقه‌های مختلف اختصاص داده شده است: ریاست‌جمهوری به کردها، نخست‌وزیر به شیعیان و رئیس مجلس به سنی‌ها اختصاص یافت» (Ezzedine, 2020: 11).

قانون اساسی به نخست‌وزیر اجازه می‌دهد از اختیارات اجرایی گسترده‌ای استفاده کند، سیاست‌های کلی کشور را هدایت کند، نیروهای امنیتی عراق را کنترل کند و بر شورای وزیران ریاست کند. تقسیم پست‌ها اختیارات گسترده‌ای به نخست‌وزیر می‌دهد. این موضوع نخست‌وزیر را قادر می‌سازد در سوءاستفاده‌های اساسی با آثار مخرب بالقوه شرکت کند. از آنجایی که عراق از سیستم نمایندگی تناسبی استفاده می‌کند، هیچ حزبی هرگز در انتخابات، اکثریت را به‌دست نمی‌آورد. بنابراین روند ایجاد ائتلاف فراحزبی به‌دنبال هر انتخاباتی است. در این مذاکرات، همه طرف‌ها برای تصدی پست نخست‌وزیری رقابت می‌کنند، زیرا تنها جایگاهی است که اهمیت دارد. این بازی حاصل جمع صفر پس از هر انتخابات کشور را در برابر بی‌ثباتی سیاسی آسیب‌پذیر می‌کند. استقرار نظام سیاسی کثرت‌گرا و دموکراتیک عراق مستلزم ادغام جوامع فرهنگی در این سیستم بود. برای انجام این کار، برای سیاست‌مداران و

نویسندگان قانون اساسی بسیار مهم بود که نظریه‌های دموکراسی انجمنی را به دلیل مدیریت جامعه‌ای متکثر در یک سیستم دموکراتیک به کار گیرند. اما دموکراسی در عراق بیشتر با این واقعیت به چالش کشیده شد که عراق هرگز دموکراسی را تجربه نکرده بود و دشمنی خفته بین قبایل، گروه‌های فرهنگی و قومی عراق در اثر خلأ ایجادشده ناشی از سرنگونی رژیم صدام بیدار شد. اختلافات و نزاع‌های درون و برون‌فرقه‌ای همراه تحریک قدرت‌های بیرونی از جمله کشورهای سنی به رهبری عربستان سبب شده است که دولت مرکزی در ایجاد ثبات و تأمین امنیت ناتوان باشد و دولت را به فروماندگی بکشاند. مشکل دیگری در رابطه با قانون اساسی عراق وجود دارد که به مناطق و استان‌ها اختیاراتی برای نمایندگی دیپلماتیک و گشایش دفتر برای آن‌ها در نمایندگی‌های دیپلماتیک در خارج از کشور داده است. در ماده ۱۲۱ آن (چهارم) آمده است: «در سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های دیپلماتیک برای پیگیری امور فرهنگی، اجتماعی و عمرانی دفترهایی برای مناطق و استانداری‌ها ایجاد می‌شود». امور حاکمیتی باید منحصر به دولت مرکزی باشد، زیرا گشایش چنین دفترهایی منجر به صلاحیت مضاعف می‌شود (Abdul Hafez Azibdi, 2021: 2).

ب) بی‌ثباتی ناشی از دموکراسی انجمنی

استقرار نظام سیاسی کثرت‌گرا و دموکراتیک عراق مستلزم ادغام جوامع فرهنگی در این سیستم بود. برای انجام این کار، برای سیاست‌مداران و نویسندگان قانون اساسی بسیار مهم بود که نظریه‌های دموکراسی انجمنی را به دلیل مدیریت جامعه‌ای متکثر به کار گیرند. بعد از اشغال عراق، کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلیس با خوش‌بینی عملیاتی شدن تجربه موفقیت‌آمیز دموکراسی‌سازی در ژاپن و آلمان را در عراق مطرح کردند. اما بعد از گذشت حدود دو دهه، عراق گرفتار انواع مشکلات شد و فرایند دموکراسی‌سازی مانند این دو کشور موفقیت‌آمیز نبود. پنج عامل تفاوت بین عراق و آلمان و ژاپن، سطح توسعه اقتصادی، همگنی قومی، قدرت نهادهای دولتی، تجربه تاریخی و رهبری نخبگان هستند (Bellin, 2004: 601). تفاوت ژاپن و آلمان با عراق با توجه به این معیارها نشان می‌دهد شرایط برای نتایج دموکراتیک در دومی مناسب نیست. عراق که سال‌هاست در اثر جنگ، فرقه‌گرایی و فساد با مشکل مواجه شده است و نهادهای دولتی مرکزی هنوز نتوانسته سیاست منسجمی ایجاد کند. سیاست‌مداران شیعه در عراق از قدرت مالی کشورهای سنی خلیج فارس مانند عربستان سعودی و قطر می‌ترسند، واقعیتی که در تفکر آن‌ها به چشم می‌خورد. این کشورها با ثروت عظیم خود توانایی تأمین

مالی گروه‌های اسلام‌گرای سنی را دارند.

در عراق به این دلیل که اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی با منافع و دیدگاه‌های مختلف درگیر منازعات طولانی مدت درونی بوده‌اند و همچنین نبود زمینه‌های مصالحه و همگرایی بین فرقه‌ها، نبود سنت مدنی دموکراسی و تقسیم سهم در عرصه قدرت موفق به همگرایی دوباره و آشتی ملی نشده است، بنابراین نخبگان و فرقه‌های مختلف رسیدن به اهداف را در راه‌های خشونت‌آمیز می‌دانند. در عراق دولت‌ها و نهادهای سیاسی شکننده یا فروپاشیده‌ای هستند. این امر منشأ بحران‌ها و بی‌ثباتی و ناامنی‌های داخل عراق و تنش و نزاع را بین قدرت‌های منطقه‌ای دامن می‌زند. چنین وضعیتی زمینه را برای مداخله قدرت‌های خارجی به بهانه برقراری امنیت، فرونشاندن منازعات و کمک به ثبات در عراق فراهم کرده است. بنابراین با توجه به پیش‌شرط‌های نظریه لپهارت، نظام سیاسی عراق مقررات مهم اجتماعی، مانند ائتلاف بزرگ و حق وتو برای جوامع فرهنگی ندارد. نخبگان در عراق در برقراری ارتباط مستمر، چانه‌زنی و سازش برای پرکردن شکاف بین آرمان‌های جوامع فرهنگی خود شکست خورده‌اند (Abu Ltaif, 2015: 15). به بیانی، دو شرط از چهار شرط لپهارت در تریبات اجتماعی در عراق وجود ندارد: ائتلاف بزرگ و وتوی متقابل، در حالی که دو ویژگی دیگر جامعه‌گرایی، تناسب و خودمختاری، به شدت وجود دارند، اما برای حفظ ثبات کافی نیستند.

پ) نهادینه‌شدن فرقه‌گرایی، شکل‌گیری دولت ضعیف

برای جناح‌های سیاسی سازوکارهای فرقه‌ای بیش از هر چیز ارزشمند است، زیرا به احزاب مستقر امکان کنترل مستمر بر فرایندهای سیاسی و تخصیص منابع را می‌دهد. در نظام فرقه‌ای عراق، مشکل اصلی این نیست که دولت توسط یک الیگارشسی یا با اجماع بین فرقه‌ها اداره می‌شود، بلکه این است که هیچ‌کس واقعاً حکومت نمی‌کند. دولت به‌عنوان مجموعه‌ای از نخبگان رقیبی با ویژگی‌هایی مانند فرصت‌طلبی و اهل تباری اداره می‌شود. همه احزاب به‌طور مستمر از تمام ابزارهای ممکن استفاده می‌کنند و در عین حال با حسادت از امتیازها و استقلال اجتماعی خود محافظت می‌کنند. منطق تقسیم قدرت مبتنی بر فرقه‌گرایی، بن‌بست‌های سیاسی طولانی ایجاد می‌کند و تصمیم‌گیری درازمدت را به مسئله‌ای بسیار سخت تبدیل می‌کند. به‌طور معمول، این منجر به دولت‌های ضعیف با استقلال سیاسی محدود می‌شود که توانایی ارائه خدمات عمومی کافی را ندارند. به بیانی، دولت عراق دولتی ضعیف تلقی می‌شود؛

جایی که دولت در مشروعیت کارآمدی (ناتوانی در ارائه وظایف و خدمات اساسی دولت مانند برق و امنیت) و مشروعیت هنجاری (زیرا روایت آن به اندازه کافی اقوام و قومیت‌های مختلف را در بر نمی‌گرفت) شکست خورده است. این بدان معنا بود که دولت نه تنها انحصار استفاده اجباری از قدرت را نداشت، بلکه گروه‌های فرعی می‌توانستند مشروعیت بیشتری به دست آورند؛ در نتیجه، وضعیتی به وجود آمد که بسیار نامشخص بود که چه کسی در عراق حرف اصلی را می‌زند. در این بخش لازم است به فرایند نهادینه‌شدن فرقه‌گرایی در عراق پردازیم. سپس پیامدهای دولت ضعیف در این کشور را بیان کنیم.

نخستین مرحله‌ای که فرقه‌گرایی نهادینه شد به وسیله همان احزابی بود که پس از سال ۲۰۰۳ در عرصه سیاسی عراق ظاهر شدند. بیشتر مخالفان سیاسی که وارد خلأ سیاسی پس از سال ۲۰۰۳ شدند، دهه‌ها را در تبعید (در کشورهایمانند ایران، سوریه، بریتانیا، ایالات متحده) گذرانده بودند و حوزه‌های انتخابیه‌شان مبتنی بر جوامع با هویت فرقه‌ای یا سیاسی آن‌ها بود. با فروپاشی دولت عراق، این احزاب پس از آن شروع به تکیه بر هویت‌های فرعی برای کسب مشروعیت کردند. در این مرحله، آن‌ها بر روایت‌های فرقه‌ای و سیاست‌های هویتی (به جای دولت ملی) تکیه کردند و بسیج سیاسی در این خطوط حزبی و فرقه‌ای تعریف شد. در طول فرایند دولت‌سازی، رهبری شیعیان و کردها در مذاکرات بلوک‌های یکپارچه باقی ماندند. برای شیعیان، احزاب سیاسی اصلی، شورای عالی انقلاب اسلامی عراق (که بعدها به شورای عالی اسلامی عراق تغییر نام داد)، حزب الدعوة اسلامی و حزب فضیلت اسلامی را شامل می‌شد. همه گروه‌های اصلی شیعه گرد هم آمدند و اتحاد عراق متحد را تشکیل دادند که بعدها به اتحاد ملی عراق تغییر نام داد. این گروه از حمایت ضمنی آیت الله العظمی علی سیستانی، رهبر معنوی اصلی شیعیان عراق برخوردار شد. بنابراین احزاب شیعه متحد باقی ماندند و برای بهبود منافع خود در برابر فهرست کردستان رقیب تلاش کردند که همچنین از ادغام احزاب برجسته کرد، حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان تشکیل شده بود. در این مدت، رهبران سنی‌ها هم برای یافتن نمایندگی سیاسی تلاش می‌کردند.

دومین مرحله نهادینه‌سازی فرقه‌گرایی به وسیله سیستم سهمیه‌بندی (محصصه) بود. بسیاری از رهبران عراق تجربه دموکراتیک نداشتند، بنابراین شکاف بزرگی در دموکراسی نوپای عراق بین مدل حکومتی آنکه بر روی کاغذ آمده و شیوه‌های حکومت واقعی آن وجود دارد. چارچوب قانون اساسی عراق به شیوه‌ای تبدیل شد که در آن

سیاست‌مداران بر اساس هویت قومی یا فرقه‌ای خود نامزد و منصوب می‌شوند نه بر اساس سیاست، عقاید یا شایستگی‌شان. این سیستم در عراق به نام المحاصصه معروف است (Shadeedi-Al, 2020: 9). این سیستم، دولتی فراگیر را مدنظر قرار می‌داد که بتواند همه هویت‌های قومی و فرقه‌ای عراق را نمایندگی کند و منابع را در امتداد خطوط جامعه تقسیم کند.

سومین مرحله که سبب نهادینه‌شدن فرقه‌گرایی در عراق شد، مسئله بعث‌زدایی بود. در سال ۲۰۱۷، یعنی ۱۴ سال پس از تغییر رژیم، دولت عراق همچنان میزبان شورایی است که روی بعث‌زدایی کار می‌کند. برای برخی از رهبران شیعه، این به معنای به‌تصویرکشیدن مخالفان بالقوه سنی به‌عنوان «بعثی‌ها» یا نیابت‌های تحت حمایت خلیج فارس بود. نوری المالکی در دومین دوره نخست‌وزیری خود (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) مخالفان سنی مانند طارق الهاشمی، معاون رئیس‌جمهور و رافا العیساوی، وزیر دارایی را هدف قرار داد. بنابراین از یک روند قانونی به‌عنوان راهی برای خدشه‌دارکردن مخالفان و اعضای فرقه‌ای خاص یعنی اهل سنت استفاده می‌شود.

چهارمین راه، نهادینه‌شدن فرقه‌گرایی به‌وسیله نظامی‌سازی بود. وجود دولتی ضعیف، راه را برای ظهور شبه‌نظامیان سنی و شیعه هموار کرد. القاعده عراق نماینده سازمان سلفی و جهادی بود که مأموریتی برای تضعیف شیعیان در عراق و نفوذ ایران در عراق داشت. جیش المهدی و حشد الشعبی نیز در چارچوب گفتمان فرقه‌ای فعالیت می‌کردند. بنابراین سیاست‌های هویتی و فرقه‌ای بر سیاست‌های ملی برتری یافت. (Mansour, 2017: 18) با فروپاشی دولت عراق هویت‌های قومی، فرقه‌ای، ایدئولوژیک و مذهبی به‌طور فزاینده‌ای برجسته شدند. این مسئله به درگیری‌های منطقه‌ای در خاورمیانه منجر شد (Koze, 2016: 2).

نهادینه‌شدن فرقه‌گرایی و شکل‌گیری دولت ضعیف با تأثیرگذاری بر جامعه و فرهنگ سیاسی عراق، سبب بی‌ثباتی و تنش شده است:

ساختار مبتنی بر سهمیه‌ای و حامی‌پروری

یکی از مشکلات عراق، ساختار سهمیه‌ای و حامی‌پروری است که در آن قدرت بر اساس خطوط قومی و فرقه‌ای تقسیم می‌شود. در نتیجه، دولت تابع همین بازیگران می‌شود و با وجود اصول دموکراتیکی که بر آن بنا شده، بیشتر به‌سمت یک نظام استبدادی حرکت می‌کند تا یک

نظام دموکراتیک. این مسئله با یک رابطه متقابل بین حامی و پیرو همراه می‌شود که امتیازات بر اساس دوستی، فرمانبرداری و وابستگی تخصیص می‌یابد. بنابراین یک نظام حامی‌پروری بر اساس سلسله‌مراتبی از نفوذ سیاسی و مالی، به نفع افراد قدرتمند و با نفوذ و بهره‌برداری از منابع ملت در جهت منافع شخصی و حزبی شکل می‌گیرد. ذی‌نفعان این سیستم می‌توانند حامیان خود را برای مقابله با هرگونه تهدید علیه موقعیت خود بسیج کنند و مانع توانایی نهادهای دولتی برای عملکرد بی‌طرفانه، حرفه‌ای و مهار رفتار ناسازگار و نابرابر می‌شود. حامی‌پروری و سهمیه‌گرایی نه تنها در قوه مجریه، بلکه در عملکرد قوه مقننه نیز نمود پیدا می‌کند و به انحراف مجلس از تفکیک قوا و دخالت در وظایف قوه مجریه منجر می‌شود. بر اساس مفهوم سهمیه‌گرایی، حداکثر فشار بر قوه مجریه به نفع منافع حزبی یا فرقه‌ای اعمال می‌شود و مجلس، دیگر توانایی ایفای نقش نظارتی مناسب بر عملکرد دولت عراق را ندارد. حامی‌پروری و سهمیه‌گرایی به سطح داخلی محدود نمی‌شود، بلکه به موضوعی در امور خارجی نیز تبدیل شده است. دولت‌های متوالی، تنها در پرتو سهمیه‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی به قدرت رسیده‌اند که هرگونه نقض آن بر ثبات سیاسی تأثیر می‌گذارد. در رأس این پدیده، مداخلات قدرت‌های بیرونی و درگیری‌ها و تلاش‌های اجماع‌سازی آن‌ها در عرصه عراق وجود دارد. بنابراین دیدگاه نقایص در نظام سیاسی به جای اینکه ناشی از افراد باشد، ساختاری هستند (Thegel, 2020: 4-8).

تعمیق شکاف‌های قومی و مذهبی

تعارض و شکاف‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای سبب شکل‌گیری گروه‌ها و نیروهای سیاسی مختلفی در جامعه می‌شود که نقش مهمی در زندگی سیاسی دارند. در عراق نیز شکاف‌های قومی و مذهبی بیشترین تأثیرات را در عرصه سیاسی این کشور داشته است. تعمیق و فعال‌شدن این شکاف‌ها کشمکش‌های خونینی را سبب شده است و در عمل جامعه‌ای چندپاره بر مبنای خطوط قومی و مذهبی را شکل می‌دهد. از همان ابتدا فرایند دولت-ملت‌سازی در عراق، کردها و شیعیان به دو گروه حاشیه‌ای تبدیل شدند. این انزوا و محروم‌سازی نه تنها در بعد فرهنگی، بلکه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی نیز مشهود بوده است. این تبعیض‌ها همراه با سرکوب قهرآمیز دولت مرکزی در بغداد بوده است. نتیجه سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوب‌گراییه‌ی بعضی‌ها، چندپاره‌شدن جامعه عرب عراق و تعمیق شکاف مذهبی در این کشور بوده است. شکاف‌های قومی و مذهبی، امروزه نقش مهمی در آرایش نیروها در زندگی سیاسی عراق دارند.

تعمیق این شکاف‌ها و سیاسی شدن آن، نه تنها سبب گروه‌بندی اجتماعی و سیاسی شده است، بلکه تعدیل و تخفیف این شکاف در آینده نزدیک نیز امری آسان نخواهد بود. به بیانی، عراق همچنان با روند خشونت‌ها و منازعات فرقه‌ای مواجه خواهد شد (Purahmadi, 2015: 82).

نبود فرهنگ سیاسی دموکراتیک در عراق

بررسی مشکلات عمیقی که دموکراسی عراق با آن مواجه است، همراه با اعتراف آشکار به شکست‌های اشغالگران ایالات متحده و دولت عراق مورد بحث قرار می‌گیرد. عده‌ای بر مفروض‌های گسترده درباره تاریخ سیاسی عراق (یا به طور گسترده‌تر، اعراب یا مسلمانان) تأکید می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها هر مشکلی که دموکراسی عراق با آن مواجه است، تقصیر نیروهای متجاوز و اشغالگر غرب و سیستم سیاسی نیست، بلکه نشان‌دهنده ماهیت عقب‌مانده مردم عراق است. عراقی‌ها در نفرت‌های قدیمی، خشونت فرقه‌ای، تعصب قومی و فرهنگ فساد غرق شده‌اند. جامعه عرب در کل نه تنها «قطار مدرنیته» را از دست داده و «در هیچ حوزه‌ای از تلاش‌های سازمان‌یافته انسانی پیشرفت نکرده است»، بلکه در رسیدن به «دموکراسی آن‌گونه که ما می‌شناسیم» نیز ناتوان است. اعراب در یک قفس ضددموکراتیک محبوس شده‌اند که توسط فرهنگ خود، گذشته تلخ و تمدن آن‌ها ساخته شده است. عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون دچار خشونت و وحشتناک به‌وسیله نمایش بمب‌گذاری‌های انتحاری، آدم‌ربایی، حملات خمپاره‌ای، بمب‌های دست‌ساز، دشمنی‌های فرقه‌ای و تهدید جنگ داخلی بوده است (Isakhan, 2012: 11). عده‌ای دیگر، نبود فرهنگ دموکراسی در عراق را ناشی از تضاد بین اسلام و دموکراسی می‌دانند و معتقدند که دموکراسی در عراق با موفقیت همراه نخواهد شد، زیرا دموکراسی با اسلام ناسازگار است و چنین فرایندی در تلاش پیشین برای دموکراتیک‌سازی عراق در زمان بریتانیا شکست خورده است. از دیدگاه آنان اسلام و دموکراسی با هم سازگار نیستند. در دموکراسی حاکمیت از آن مردم است، اما در اعتقاد اسلامی قدرت و حاکمیت از آن خداست (Hadad, 2016: 12).

اریک دیویس از اندیشمندان علوم سیاسی، عناصر فرهنگ سیاسی عراق را این‌گونه بیان می‌کند: از شرایط لازم برای گذار دموکراتیک، نیاز به فرهنگ سیاسی مبتنی بر ارزش‌هایی همچون تساهل، پلورالیسم و مذاکره است. یکی از میراث شوم اقتدارگرایی رژیم بعث، فرهنگ ترس، بدبینی، قربان شدن و نبود اعتماد در میان گروه‌های قومی و مذهبی است. (Davis, 2015: 3) عراق در سال‌های ۱۹۲۱ تا ۲۰۰۳ زیر سلطه فرهنگ سیاسی اقتدارگرایی بود. به همین

دلیل عناصری مانند بی‌اعتمادی، ترس و قربانی شدن در میان جامعه حاکم شد و عناصری مانند تساهل، مدارا و اعتماد سیاسی که معمولاً در فرهنگ سیاسی دموکراتیک وجود دارد در عراق ایجاد نشد. به بیانی، زیرساخت‌های فرهنگی و مدنی دموکراتیک در این کشور ایجاد نشد. تبعی بودن فرهنگ سیاسی در عراق یکی دیگر از عوامل تقویت فرهنگ اقتدارگرایی در این کشور است. وجود ساختار طایفه‌ای و قومیتی و وجود فرهنگ پدرسالاری و شیخوخیت در عراق، فرهنگ سیاسی بسیاری از مردم تبعی است. این امر سبب تشدید و تداوم فرهنگ اقتدارگرایی و ایجاد مانع جدی برای ایجاد فرهنگ سیاسی مدنی و دموکراتیک است. اگرچه تلاش‌هایی برای بهبود دموکراسی و حاکمیت قانون در عراق وجود دارد، نخبگان سیاسی این کشور تجربه کار با نهادها و سازوکار مردم‌سالارانه را ندارند. رفتار سیاسی آن‌ها اقتدارگرایانه است و به سنت تجمیع، انباشت و تمرکز قدرت در سطح ملی و استانی تمایل دارند و نه به سنت‌های تقسیم قدرت بین گروه‌های مختلف، تکثرگرایی و سازش که عناصر اساسی فرهنگ دموکراتیک است. این عناصر به‌عنوان میراث تاریخی به نخبگان کنونی عراق منتقل شده است. نخبگان کشورهای اقتدارگرا از جمله عراق بیشتر از اینکه روحیه و فرهنگی سازش‌گرا، انعطاف‌پذیر و دموکراتیک داشته باشند روحیه‌ای خشن، سخت و متصلب و انعطاف‌ناپذیر دارند. به همین دلیل، فرهنگ گفت‌وگو برای حل مسائل کشور در این کشور ایجاد نشده است.

بازوی نظامی گروه‌های قومی و مذهبی و شخصیت‌های عراقی

فرقه‌گرایی بعد از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ در عراق رشد بیشتری کرد، به‌شکلی که نهاد دولت را در سایه قرار داد. از دلایل رشد فرقه‌گرایی، بازگشت رهبران از تبعید بعد از سال ۲۰۰۳ به این کشور بود؛ برنامه‌های سیاسی این رهبران فرقه‌محور بود. همچنین فروپاشی دولت واحد یا نبود دولتی قوی نیز از عوامل رشد فرقه‌گرایی در این کشور برآورد می‌شود. فرقه‌گرایی در دولت عراق بعد از سال ۲۰۱۳ با تلاش برای ایجاد حاکمیت اجتماعی مبتنی بر سیاست هویت نهادینه شد. به مرور زمان، نظامی شدن فرقه‌ها به دلایل مختلف مانند مبارزه با اشغالگران و مبارزه با داعش در عراق نیز اتفاق افتاد. (Mansour, 217: 15) در این فرایند، هویت ملی تضعیف و هویت فرقه‌ای تقویت شد. قانون اساسی عراق شبه‌نظامیان را از شرکت در انتخابات منع می‌کند، اما بیشتر احزاب با نفوذ، شبه‌نظامیانی دارند که از آن‌ها حمایت می‌کنند. بعضی از افراد در مجلس، نماینده یک حزب نظامی و سیاسی هستند. با این حال، چندین عضو شبه‌نظامی در پارلمان انتخاب شدند، جایی که آن‌ها تلاش می‌کنند بر نهادهای دولتی از

درون اثر بگذارند. حضور پررنگ در پایگاه قانون گذاری در ساختار دولتی، موقعیت خوب مذاکره را در روند چانه زنی پس از انتخابات فراهم می کند. آن‌ها همچنین می توانند در فرایندهای قانونی رسمی شرکت و از موقعیت خود استفاده کنند. برای نمونه، صدر نیز شبه نظامیان خود به نام بریگادهای صلح (سرایا السلام) را دارد که شاخه‌ای از ارتش مهدی هستند که پس از سال ۲۰۰۳ با تهاجم ایالات متحده جنگیدند.

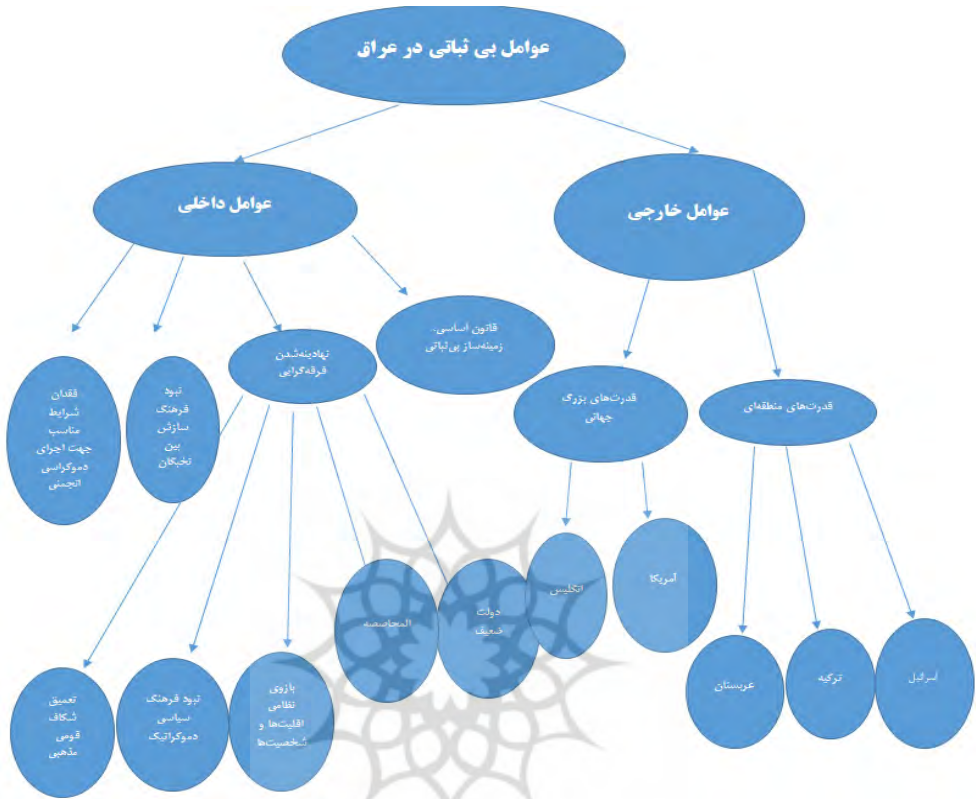
ت) نبود فرهنگ «سازش» بین نخبگان عراقی

در رویکرد دموکراسی انجمنی «مدیریت موفق بیش از هر چیز به همکاری نخبگان در جوامع به شدت متفرق بستگی دارد. طرفداران دموکراسی انجمنی می گویند حتی اگر اختلاف عمیقی بین گروه‌های اجتماعی وجود داشته باشد، همکاری نخبگان برای آرام کردن درگیری، شرط لازم و کافی است. نخبگان به تنهایی می توانند با ابتکار عمل، ناآرامی را حل و فصل کنند و سامان بخشند. در رویکرد دموکراسی انجمنی، نخبگان یا رهبران گروه‌های درگیر، مستقیماً بخش‌های مختلف اجتماعی را نمایندگی می کنند و در پی تکمیل و بهبود پیوندهای سیاسی در مرکز هستند. این موضوعی است که این نظریه پردازان در بسیاری از دموکراسی‌های انجمنی همچون بلژیک، هلند، سوئیس و مالزی آن را تجربه موفق می دانند. طرفداران این رویکرد بر همگرا و انعطاف پذیری هویت قومی تأکید می کنند. در دموکراسی توافقی، تلاش می شود پایه‌های حکومت در بالاترین سطح ممکن توسعه یابد تا ساختار حکومت، اکثریت ممکن را شامل و از طرد دیگران اجتناب شود. انجمن گرایان بیش از هر چیز بر نقش نخبگان در ایجاد ائتلاف‌های قومی و مدیریت منازعات قومی تأکید می کنند» (Eshkorkayai, 2014). همچنین نخبگان داخلی در عراق برای حفظ مشروعیت (بین المللی)، کنترل حوزه‌ها و حمایت مالی کافی، بر روابط خود با بازیگران خارجی به ویژه ایالات متحده آمریکا تکیه کرده اند. چنین حمایت‌های خارجی به گروه‌های سیاسی بزرگ تر اجازه داده است تا نفوذ سیاسی و شبکه‌های حمایتی خود را حفظ کنند و افزایش دهند. با این حال، حمایت خارجی همچنین توان بازیگران سیاسی داخلی را در تصمیم گیری محدود می کند، زیرا قدرت‌های خارجی به دنبال پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی خود هستند؛ همچنین مداخله خارجی در امور داخلی، حاکمیت را در سطح ملی کاهش داده است.

ث) عوامل خارجی

ناهمگونی سیاسی و چندپاره بودن سیاست داخلی، عراق را در برابر نفوذ گروه‌های سیاسی خارجی آسیب‌پذیر کرده است. بیشتر نیروها و کنشگران داخلی که سبب بی‌ثباتی و آشوب در داخل شده‌اند زیر نفوذ قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای هستند. به بیانی، یکی از عوامل بی‌ثباتی در عراق مشکلات امنیتی داخلی است که به مشکلات خارجی گره خورده است. از عوامل مهم بی‌ثباتی و آشوب در عراق حضور قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و انگلیس است. همچنین حضور و نفوذ بازیگران منطقه مانند اسرائیل در اقلیم کردستان عراق، نفوذ عربستان و دیگر کشورهای عربی و ترکیه در ایجاد بی‌ثباتی در این کشور مؤثر است. حضور و نفوذ این بازیگران در امتداد خطوط فرقه‌ای سبب ستیز و نزاع در این کشور شده است. این بازیگران ایجاد و تثبیت نظام کثرت‌گرا و دموکراتیک را در راستای منافع خود نمی‌بینند. چنین نظامی ممکن است بر وضعیت داخلی آن بازیگران تأثیر بگذارد. آن‌ها عراقی ضعیف و چندتکه می‌خواهند. در صورتی که ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون، ایجاد و تثبیت نظام دموکراتیک و تأمین امنیت، ثبات و حفظ تمامیت ارضی عراق را در راستای منافع و امنیت خود می‌داند. مبارزه با حضور و پیشروی داعش در این چارچوب بررسی می‌شود.

کشورهای سنی منطقه خاورمیانه از گذار دموکراتیک در عراق نگران هستند. به همین دلیل، به ابزارهای مختلفی متوسل شده‌اند تا در این روند خلل ایجاد کنند. با توجه به این بافتار جمعیتی عراق که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، اجرایی شدن نظام سیاسی دموکراسی در عراق سبب قدرت گرفتن شیعیان و به حاشیه راندن سنی‌ها می‌شود. این امر به صورت طبیعی سبب می‌شود که توازن قدرت به سود ایران دگرگون شود. عربستان به ابزارهای مختلف از جمله یارگیری در محیط سیاسی عراق، انواع کمک به سنی‌ها و مخالفان شیعیان و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور متوسل می‌شود تا بتواند معادله قدرت را دگرگون و نفوذ خود را بیشتر و تثبیت کند. عربستان تلاش‌های مهمی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ انجام داده است تا به وسیله متحدان خود روند و روندهای سیاسی را مسدود کنند (Aref Al-Kafarneh, 2010: 13). یکی دیگر از دلایلی که سبب شده، کشورهای سنی به رهبری عربستان از فرایند دموکراسی در عراق نگران باشند این است که ایجاد دموکراسی در عراق ممکن است به الگو و مدل سیاسی برای نخبگان سیاسی در کشورهای عربی تبدیل شود. موضوعی که برای سیستم سیاسی اقتدارگرایانه و پدرسالار عربی خطرناک برآورد می‌شود (Hagglund, 2022: 8).



مدل مفهومی عوامل بی ثباتی و تنش در عراق

۶. نتیجه

عراق بعد از اشغال توسط آمریکا و سقوط صدام با فراز و فرودهای زیادی مواجه شده است و پس از سالها جنگ و تحریم و اشغال، وارد دوره دشوار گذار به دموکراسی شد. عراق کنونی نمونه بارز بحران هویت است. تعدد قومی و مذهبی، سبب ایجاد اختلافات متضاد سیاسی و اجتماعی شده است. شیعیان، کردها و سنیها بازیگران اصلی در این کشور هستند. تا قبل از سال ۲۰۰۳، قومیتها و هویتهای مختلف فرصت ابراز وجود نداشتند. حمله آمریکا و سرنگونی رژیم بعث، عراق را وارد مرحله جدید و بی ثباتی کرد و گروهها و قومیتهای مختلف اهداف و خواستههای هویت سیاسی و اجتماعی متضاد خود را بیان کردند. دیدگاههای مختلفی درباره دلایل تنش و ستیزهای خشونت آمیز در عراق مطرح شده است. تعدادی از پژوهشگران

بر عامل بیرونی تأکید کرده و نقش قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای را پررنگ می‌کنند. برای نمونه، عده‌ای اشغال عراق توسط آمریکا و حضور نیروهای نظامی این کشور را عامل مهم بی‌ثباتی و نزاع‌های داخلی در این کشور می‌دانند و عده‌ای دیگر بر حضور اسرائیل، عربستان و ترکیه تأکید کرده و معتقدند این کنشگران با برجسته‌کردن گسل‌های قومی و مذهبی در عراق سبب تسری و انتقال ناامنی به کشورهای دیگر شده‌اند.

در این پژوهش با نگاهی به نوع نظام سیاسی و ساختار جمعیتی عراق، تنش و بی‌ثباتی سیاسی در این کشور را بررسی کردیم. نگاهی به تاریخ معاصر عراق نشان می‌دهد که این کشور بعد از فروپاشی عثمانی توسط انگلیس و فرانسه ایجاد شد و مدتی تحت قیمومت انگلیس بود. به بیانی، تجمیع گروه‌های جمعیتی، با تنوع و تضادهای هویتی در عراق همراه با دستکاری ژئوپلیتیک و ایجاد مرزهای مصنوعی توسط انگلیس و فرانسه سبب شده است که در این کشور، تنش و ستیز همراه شود. در دوره حاکمیت و تسلط صدام بر عراق، تلاش می‌شد با ابزار سرکوب و ترس در عراق ثبات برقرار شود، اما گاهی تنش‌های خشونت‌آمیزی در این کشور اتفاق می‌افتاد که عوامل بی‌ثباتی و وزن هرکدام در ایجاد چنین وضعیتی در عراق پس‌اصدام متفاوت و متمایز است. عراق بعد از صدام به‌عنوان نمونه‌ای از دموکراسی سهمیه‌ای یا اجماعی توصیف می‌شود. این مدل با وجود شکاف‌های اجتماعی عمیقی که ویژگی جوامع متکثر است، در حفظ دموکراسی در یک کشور مؤثر برآورد می‌شود. این جوامع در امتداد خطوط مذهبی، ایدئولوژیکی، زبانی، فرهنگی، قومی یا نژادی به زیرجامعه‌های با احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و رسانه‌های ارتباطی تقریباً مجزا تقسیم شده‌اند. عده‌ای از پژوهشگران معتقدند مشکلاتی که در حال حاضر در عراق وجود دارد به سیستم سیاسی این کشور یا دموکراسی سهمیه‌ای در این کشور بر می‌گردد؛ دموکراسی انجمنی سبب گسترش و تشدید شکاف‌ها، ناکارآمدی دولت و در نهایت سبب بی‌ثباتی و آشوب در عراق شده است. مهم‌تر از همه، ناامیدی گسترده از سیستم سیاسی اجتماعی قومی و فرقه‌ای عراق، سبب ایجاد یک جنبش اعتراضی منسجم فزاینده شده است که از سال ۲۰۱۹ بیش از یک میلیون نفر را به‌طور مکرر به خیابان‌های بغداد و شهرهای جنوبی عراق کشانده است.

موفقیت محدود دولت‌های عراق پس از سال ۲۰۰۳ در تبدیل یک نظام دیکتاتوری به زندگی بهتر برای شهروندان عادی، احساس ناامیدی را نسبت به نخبگان سیاسی ایجاد کرده است. از دیدگاه شهروندان عراقی، سیاست‌مداران از موقعیت خود برای منافع شخصی سوءاستفاده

می‌کنند و از وظایف عمومی خود برای بهبود اقتصاد، امنیت، خدمات و زیرساخت‌های کشور غفلت می‌کنند. از دیدگاه آنان در پارلمان عراق فساد گسترده با فرقه‌گرایی قومی مرتبط شده است، سیستم توزیع قدرت سیاسی مبتنی بر اقلیت قومی و مذهبی ممکن است به حفظ اجماع نخبگان کمک کند، اما چون شبکه‌های حزبی و سیاسی مبتنی بر فرقه و سهمیه است، کنترل را بر مشارکت، وفاداری را بر شایستگی و منافع خصوصی را بر منافع عمومی اولویت می‌دهند، این امر مانع ثبات و توسعه در عراق می‌شود. برای ایجاد ثبات در عراق نخبگان سیاسی باید از شیوه چانه‌زنی برای دستیابی به سازش و برآوردن خواسته‌های خود استفاده کنند. ترویج سیاست‌هایی برای تقویت ائتلاف‌های بزرگ و قدرت‌های وتو ممکن است سیستم را تثبیت کند و تنش‌های فرهنگی را کاهش دهد. حکمرانی بهتر در عراق، مستلزم اولویت‌دادن به منافع عمومی بر منافع خصوصی است. این موضوع به‌نوبه خود مستلزم بررسی انتقادی در مورد آینده سازوکار المحاصصه است.



References

- Abu Ltaif Eduardo (2015), The Limitations of the Consociational Arrangements in Iraq, https://www.psa.ac.uk/sites/default/files/page-files/AbuLtaif_EP_No38.pdf.
- al-Shadeedi, H. (2020), Iraq's adolescent democracy Where to go from here, <https://www.clingendael.org/pub/2020/iraqs-adolescent-democracy/>
- Antosh, C. (2016), The drivers of sectarian violence: A qualitative analysis of Lebanon, Iraq, and Turkey, <https://commons.lib.jmu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1205&context=honors201019>
- Abdul-Hafiz al-Zibdi Tariq (2021), the reality of Iraqi foreign policy and its future options, Baghdad Riwaq Center for Public Policies, <https://rewaqbaghdad.org/home/ViewArticlesNews/99> [In Arabic]
- Abbas Rabie Kawthar (2010), Iraq's foreign policy between constraints and opportunities, <https://jcis.uobaghdad.edu.iq/index.php/politics/article/view/185/155> [In Arabic]
- Aref Al-Kafarneh Ahmed, (2010), the factors affecting the decision-making process in foreign policy, <https://www.iasj.net/iasj/download/6435af65591542c3>. [In Arabic]
- Bellin Eva (2004), The Iraqi Intervention and Democracy in Comparative Historical Perspective, <https://www.brandeis.edu/politics/people/faculty/pdfs/bellin-iraqi-intervention-and-democracy.pdf>.
- Davis, Eric. (2015). Taking Democracy Seriously in Iraq, IISBU, The Institute for Iraqi Studies, Boston University, Occasional Paper, No.2.
- Dodge Toby (2020), Iraq's Informal Consociationalism and Its Problems, Studies in Ethnicity and Nationalism: Vol. 20, No. 2, 2020
- Eshkur Kiaei Afshin (2014), Associational Democracy and Management of Ethnic Gap

<https://anthropologyandculture.com/>[In Persian]

Ezzeddine,N.(2020), Iraq and Lebanon's tortuous paths to reform, <https://www.clingendael.org/publication/iraq-and-lebanons-tortuous-paths-reform>.

Hagglund Mariette(2022), IRAQ'S STATE OF DEMOCRACY A SELF-PERPETUATING CYCLE AGAINST REFORM IN FAVOUR OF THE POLITICAL ELITE, https://www.fiia.fi/wp-content/uploads/2022/02/bp332_mariette-hagglund_iraqs-state-of-democracy-1.pdf

Hadad,H.(2016), Has Democratization in Iraq Failed?, <https://cdn.dal.ca/content/dam/dalhousie/pdf/politicalscience/Hadad.pdf>.

Haghi ,M.(2022), The Impact of Identity Crisis in Iraq (post-Saddam) on the Islamic Republic of Iran Foreign Policy Orientation, *Geopolitics Quarterly, Volume: 17, No 4, Winter 2022,PP 231-262*

Isakhan, B. (2012). Democracy in Iraq: History, Politics, Discourse. London: Ashgate.

Katzman, Kenneth. (2007). Iraq: Post-Saddam Governance and Security, Congressional Research Service, Updated October 4.

Koze,T.(2016), A Comparative Analysis of Soft Power in the MENA Region: The Impact of Ethnic,Sectarian, and Religious Identity on Soft Power in Iraq and Egypt, <https://academic.oup.com/fpa/article-abstract/12/3/354/1750371?redirectedFrom=fulltext>.

Nakash, R. (2003). the Shiites and the Future of Iraq, Foreign Affairs, Jul/ Aug 2003, V.82.

Thgeel Adel Abdulhamza (2020), Politics and Security in Iraq: Challenges and Opportunities, <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/amman/16592.pdf>.

ijphart Arend(1968),Typologies of Democratic System, Comparative Political Studies1.pp3-44

------(1977), Democracy in Plural Societies, New Haven: Yale University

press.

O'Leary, Brendan.)2013 (Power Sharing in Deeply Divided Places: An Advocate's Introduction. In J. McEvoy and B. O'Leary, eds. 2013. *Power Sharing in Deeply Divided*

Places. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, pp. 1-64.

Mansour,R.(2017), Sectarianism in Iraq: A Struggle between Identity and Issue Politics, [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2017/603843/EXPO_IDA\(2017\)603843_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2017/603843/EXPO_IDA(2017)603843_EN.pdf).

Maqsoodi, M. (2012), Iran and Iraq issues, Iraqi Kurdistan and the future perspective of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Abrar Maazer.[In Persion]

Pourahmadi Hossein (2015), Democracy by force and its challenges in Iraq, Political and International Approaches Quarterly, Year 7, Issue 1, Fall. [In Persion]

World Bank (2022), The World Bank in Iraq, <https://www.worldbank.org/en/country/iraq/overview>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی